

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق و الهیات
بخش معارف اسلامی و حقوق

پایان نامه تحصیلی برای دریافت درجه ی کارشناسی ارشد پیوسته حقوق خصوصی

تأمین اجتماعی در فقه امامیه و بازتاب آن در قوانین موضوعه ی ایران

مؤلف:

محمد امین پورچنگیز

استاد راهنما:

دکتر حسن مرادزاده

استاد مشاور:

دکتر حمید بهرامی احمدی

مهر ۱۳۹۲

تقدیم به :

پدرم آن شیر نگاهِ دریا دلِ نیکو زاد، کو به ناز من جوانی داده است
مادرم آن همیشه مهربانِ زیبا یاد
همسرم آن آشنای بر ساحلِ آباد
دخترم آن « نازنین مهلا»ی با من شاد، که فدایش بشود بابایش

و همه ی آنان که می دانند دوستشان دارم: خواهر و برادرانم
و آنان که نمی دانند ...

تشکر و قدردانی :

اگر بخواهم از یکایک دوستانی که مرا در این کار یاری داده هاند، به نام سپاسگزاری کنم این یادداشت کوتاه گنجایش آن را ندارد. اما سپاس از عنایتهای دو حقوقدان بزرگوار ، استاذی الکرام ، معلّمی فی کُلّ المقام و صدّیقیّ علی الدوام آقایان دکتر حسن مرادزاده و دکتر حمید بهرامی احمدی که تمام ظرافتهای تحقیق حاضر مرهون دانش و بینش ایشان است، بر این بنده فرض عین است. همچنین سپاس از پدر گرامی ام که نگاه نافذش از انبوه سرگردانی ها و نگرانی های من کاست، امری است ناگزیر. الطاف دیگر استادان بخش حقوق دانشگاه شهید باهنر را که در طول سالها دستم گرفته و پا به پا بردند تا شیوه ی حقوق خواندن به من آموزند نیز هرگز فراموش نخواهم کرد. و الحمد لله اولاً و آخراً

چکیده:

حقوق تأمین اجتماعی به عنوان راهکاری ویژه جهت مقابله با خطرات اجتماعی، پدیده ای نوظهور است که معمولاً در نگاه نخست خاستگاه آن را کشورهای اروپایی می دانند. البته نباید منکر این واقعیت شد که رشد و نمو اندیشه های تأمین اجتماعی، همگام با صنعتی شدن جوامع اروپایی، سرعت بیشتری داشته است؛ لکن اگر از مفهوم مخالف این گزاره چنین برداشت شود که در سایر نظامهای حقوقی- از جمله نظام حقوقی اسلام که در این پژوهش مورد توجه است- راه حلی برای مقابله با خطرات اجتماعی وجود نداشته است، بایستی در صحت آن تردید نمود. از این رو تصمیم گرفته شد پژوهشی در خصوص مضامین تأمین اجتماعی در منابع فقهی مذهب امامیه انجام دهیم. همچنین به منظور کاربردی شدن نتایج تحقیق، تأثیر این اندیشه ها را در قوانین و مقررات موجود نیز بررسی کردیم، تا امکانرفع نقایص نظام تأمین اجتماعی ایران و گام برداشتن به سمت جامعه ی اسلامی آرمانی فراهم گردد.

واژگان کلیدی: حقوق اجتماعی، تأمین اجتماعی، فقه امامیه، قوانین موضوعه ی ایران.

فهرست مطالب:

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱۱	فصل نخست - درونمایه های تأمین اجتماعی در منابع فقه شیعه
۱۳	مبحث اول - درونمایه های تأمین اجتماعی در قرآن
۱۳	گفتار اول - راهکارهای حمایتی در قرآن
۱۳	بند اول - راهکارهای حمایتی از طریق خدمات و مساعدت های اجتماعی
۱۴	أ) زکات
۱۴	علل تشریح زکات
۱۶	گستره ی شمول حکم زکات
۱۹	موارد مصرف زکات
۲۳	زکات فطره
۲۴	ب) خمس
۲۵	گستره ی شمول حکم خمس
۲۶	موارد مصرف خمس
۲۸	ج) فیه و انفال
۲۹	مصادیق فیه و انفال
۳۰	موارد مصرف فیه و انفال
۳۲	بند دوم - راهکارهای حمایتی به صورت امدادی
۳۲	أ) ابن السبیل (در راه ماندگان)
۳۴	ب) مهاجران و پناهندگان
۳۶	گفتار دوم - بن مایه های بیمه ای در قرآن
۳۶	بند اول - ضمان عاقله
۳۹	بند دوم - برادری ایمانی

۴۲ مبحث دوم- درونمایه های تأمین اجتماعی در روایات
۴۲ گفتار اول - راهکارهای حمایتی در روایات
۴۲ بند اول - راهکارهای حمایتی از طریق خدمات و مساعدتهای اجتماعی
۴۳ ا) حمایت از فقیران و نیازمندان
۴۸ ب) حمایت از سالمندان
۵۲ ج) حمایت از بدهکاران
۵۴ د) حمایت از خانواده های بی سرپرست (سرپرستی ایتم)
۵۵ بند دوم - راهکارهای حمایتی به صورت امدادی
۵۷ گفتار دوم - بن مایه های بیمه ای در روایات
۵۷ بند اول - ضمان جریره
۵۹ بند دوم - عقد اخوت
۶۲ جمع بندی فصل
۶۴ فصل دوم- تأمین اجتماعی در قوانین موضوعه
۶۷ مبحث اول - قوانین خاص تأمین اجتماعی
۶۷ گفتار اول- قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی
۶۸ بند اول - اهداف و قلمروی قانون
۷۱ بند دوم - اصول و سیاستهای قانون
۷۴ گفتار دوم- قانون تأمین اجتماعی
۷۵ بند اول- مضمولان قانون
۷۶ بند دوم - حمایت های قانون
۷۸ گفتار سوم- قانون کار
۷۹ بند اول - مضمولان قانون
۸۰ بند دوم - حمایت های قانون
۸۲ مبحث دوم - جلوه های تأمین اجتماعی در قوانین عام
۸۲ گفتار اول - جلوه های تأمین اجتماعی در قانون اساسی

۸۳ بند اول - مضامین مستقیم
۸۶ بند دوم - مضامین غیر مستقیم
۸۷ گفتار دوم: جلوه های تأمین اجتماعی در قوانین عادی
۸۷ بند اول - قانون مدنی
۹۰ بند دوم - قانون مجازات اسلامی
۹۱ بند سوم - قوانین برنامه های توسعه
۹۵ جمع بندی فصل
۹۷ نتیجه گیری
۹۹ منابع و مآخذ

مقدمه:

انسان ها براساس فطرتشان همواره خواستار محافظت از خود در برابر انواع تهدیدها و خطرات گوناگون بوده اند و از همین رو به زندگی دسته جمعی روی آوردند تا بتوانند به این خواسته ی خود جامه ی عمل بپوشانند. بنابراین از بدو شکل گیری جوامع انسانی به طرق مختلف تلاشهایی را برای ایجاد ابزارها و امکانات مناسب جهت مقابله با این خطرات و تهدیدها و نگرانی ها صورت دادند. این تلاشها در آغاز برای رفع نگرانیهایی چون گرسنگی، حمله و تجاوز حیوانات یا سایر انسانها، سرما و گرمای شدید و... بوده است. در این دوره، خانواده (در مفهوم گسترده ی آن) کارکرد ویژه ای در خصوص حمایت از اعضای خود دارد و نقش های متعددی را ایفا می کند؛ لیکن با گذشت زمان و در اثر توسعه ی شهرنشینی، بروز انقلاب صنعتی و همچنین تقسیم کار حاصل از آن، ابعاد خانواده و کارکردهای آن کاهش یافت و محدود شد. دگرگونی های حاصل از انقلاب صنعتی در ماهیت و کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع، موجب شکل گیری انواع جدیدی از روابط و مناسبات شد که پیش از این سابقه نداشته بود؛ لذا برای سر و سامان دادن به این روابط نیاز به قواعد حقوقی تازه ای احساس شد. همین امر باعث تقویت این تفکر شده است که دانش تأمین اجتماعی به عنوان راهکاری ویژه جهت مقابله با خطرات اجتماعی، نشأت گرفته از حوادث پس از انقلاب صنعتی است. بدین صورت که با صنعتی شدن جوامع و ایجاد انواع جدیدی از روابط اجتماعی به ویژه در میان کارگران و کارفرمایان، همبستگی اجتماعی به عنوان شاخص اصلی این جوامع یک هویت واحد را تثبیت کرد که بر اساس آن مسئولیت جمعی و مشترک انسانها در برابر یکدیگر پدید آمد. بنابراین تأمین اجتماعی نیز مانند بسیاری از علوم نوین از جهان غرب به کشور ما راه یافته است. البته نباید منکر این واقعیت شد که رشد و نمو اندیشه های تأمین اجتماعی همگام با صنعتی شدن جوامع اروپایی سرعت بیشتری یافته است؛ لیکن اگر از مفهوم مخالف این گزاره چنین برداشت شود که پیش از این تاریخ، خطرات اجتماعی وجود نداشته یا اگر وجود داشته اند جامعه برای مقابله با آنها راهکاری نیافته بود؛ در پذیرش آن باید تردید کرد. با توجه به این مطلب و همچنین نظر به اینکه اساساً حقوق زاییده ی روابط اجتماعی انسان هاست و هر قاعده ی حقوقی اصولاً در همان جامعه و محیطی که ایجاد می شود، بیشترین کارایی را خواهد داشت؛ اهمیت و ضرورت انجام یک تحقیق به منظور بومی ساختن و سازگار نمودن این اندیشه های نوین با زیرساخت ها و بنیان های فرهنگی و اعتقادات دینی مردم مسلمان ایران و نیز برداشتن گامی به سوی تحقق علوم انسانی اسلامی (اسلامی سازی علوم انسانی)

آشکار می گردد. مضاف بر اینکه ضعف ساختاری نظام تأمین اجتماعی و محدود بودن قلمرو اعمال آن در ایران، و نیاز به سازمان دهی و همگانی کردن آن ضرورت کار را دو چندان می کند. بر همین اساس تصمیم گرفته شد برای اثبات آشنایی پیشینیان خود با بنیانهای تفکر تأمین اجتماعی و موضوعات آن (علی رغم عدم وجود دانشی مستقل با این نام)، پژوهشی در این خصوص انجام گیرد. در پرتو این هدف می توان رابطه و تعامل علم نوین تأمین اجتماعی با اندیشه های اسلامی را شرح داد و بالاخره وضعیت کنونی قوانین و مقررات حوزه ی تأمین اجتماعی را با آن تعالیم مقایسه نمود و از برآیند آن پیشنهادهایی برای اصلاح قوانین و گسترش تأمین اجتماعی ارائه کرد.

با این وجود تحقیق پیرامون این مطلب که گذشتگان ما به کلی از اندیشه ی مقابله با خطرات اجتماعی و بنیان های تأمین اجتماعی غافل نبوده اند، با در نظر داشتن تمدن هزاران ساله ی ایران^۱ و همچنین فرهنگ پر بار اسلام، گستره ای وسیع را می طلبد که از حوصله ی پایان نامه ی کارشناسی ارشد فراتر خواهد بود. بدین منظور و همچنین نظر به اینکه کشور ایران تنها پرچمدار حکومت شیعه در جهان است و نظام حقوقی آن نیز مبتنی بر تعالیم فقه امامیه می باشد؛ جامعه ی آماری پژوهش را به « فقه امامیه » محدود نمودیم تا علاوه بر انجام تحقیقی علمی و نظری، امکان کاربردی شدن نتایج حاصل از آن در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در راستای نیل به حکومت عادلانه ی حضرت علی (ع) نیز مورد توجه بوده باشد. بنابراین عنوان « تأمین اجتماعی در فقه امامیه و بازتاب آن در قوانین موضوعه ی ایران » را برای تحقیق خود برگزیدیم. موضوعی که در تحقیقات و پژوهش های صورت گرفته در عرصه ی حقوق اجتماعی کمتر مورد توجه بوده است: متأسفانه اغلب اقدامات انجام شده در این خصوص صرفاً بیان مطالبی اندک در چهره ی بخشی کوچک از یک تألیف بزرگتر بوده و تحقیقی مستقل در این باره کمتر صورت گرفته است. برای نمونه در اکثر کتابهای تأمین اجتماعی معمولاً چند سطری با عنوان « اسلام و تأمین اجتماعی » بیان می شود و در آنها از استحباب و بعضاً وجوب این امور در دین اسلام سخن به میان می آید. شایان ذکر است که در بعضی موارد علی رغم مشاهده ی عنوان متناسب با موضوع تحقیق، مطالب موجود واجد کمترین ارتباط ممکن با عنوان خود هستند.^۲ مع ذلک تلاشهای پراکنده ای نیز در زمینه ی عدالت اجتماعی یا تکافل و تأمین اجتماعی در قرآن یا اسلام

^۱ - برای مطالعه ی بیشتر در این خصوص بنگرید به: وامقی، ایرج؛ مقاله ی « تأمین اجتماعی در ایران باستان » مندرج در کتا تأمین اجتماعی در ایران و جهان (گزیده ی مقالات فصلنامه ی تأمین اجتماعی)، گردآوری هرمن همایون پور، چاپ اول، تهران: مؤسسه ی عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۸۶، صص ۲۵ تا ۴۷.

^۲ - برای نمونه بنگرید به: صالحی نژاد، نجمه؛ مبانی عدالت اجتماعی در قرآن، پایان نامه ی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۹۱.

صورت گرفته است^۱؛ با این وجود پژوهنده تا کنون موردی را که به طور خاص مکتب تشیع را از این منظر بررسی کند، نیافته است.

از منظر اسلام برپایی و گسترش عدالت در عرصه‌ی جامعه نه تنها مسأله‌ی اساسی و مهم و حتی هدف از بعثت انبیا و فرستادن کتابها تلقی شده است؛ بلکه به عنوان یکی از اصول دین، مبنای اعتقادی دین و مذهب ما را تشکیل می‌دهد. بنابراین عدالت در اسلام هم در بعد تکوینی، هم در بعد تشریحی، هم در بعد فردی و هم در بعد اجتماعی آن مورد توجه قرار گرفته است. از این رو تأمین اجتماعی نیز که در معنای عام خود ارتباط نزدیکی با عدالت اجتماعی دارد، در دین اسلام و بالتبع مکتب تشیع دارای جایگاه خاصی می‌باشد^۲. لیکن تعبیر و توجیهی متفاوت با تأمین اجتماعی شکل گرفته در جوامع صنعتی دارد: «انسانها برای بندگی خداوند متعال آفریده شده‌اند و هدف تأمین اجتماعی نیز محافظت انسان از گزند خطرات فقر و غناست؛ اما آماج نهایی رهانیدن انسان از خطرات مزبور جهت تسهیل بندگی و اطاعت و عبادت پروردگار است.» به عبارت دیگر هر قدر فقر و تنگدستی باعث فراموشی عبادت از سوی بندگان است، ثروت نیز به همان اندازه و به همان دلیل خطرناک بوده و باعث تمرد بنده به آفریدگارش می‌شود. به همین جهت راهکارهای مقرر اسلام و مکتب تشیع جهت دستیابی به عدالت اجتماعی، علاوه بر حکومت برای عموم مردم نیز وظایفی پیش بینی نموده است.

البته باید توجه داشت در دین اسلام و مذهب تشیع (که مورد بحث ماست) راههای متعددی به منظور برقراری عدالت در جامعه پیش بینی شده است. از جمله خمس، زکات، صدقه، فطریه، وقف و حتی نهادهایی چون ضمان عاقله، کفاره، نذر، پرداخت نفقه اقارب، تقسیم گوشت قربانی و... که هر یک به سهم خود در این عرصه نقشی را ایفا می‌کنند. بدیهی است که با توجه به شرایط و ساختارهای متفاوت نهادهای مذکور نمی‌توان همه‌ی آنها را دارای وجهه‌ی حقوقی دانست. به همین علت در این تحقیق از میان راهکارهای موجود تأمین عدالت اجتماعی در تفکر شیعی، تنها راهکارهای حقوقی آن مورد توجه ما خواهد بود. به عبارت دیگر آنچه در این پژوهش به دنبال آن هستیم این است که ابتدا راه حل‌های حقوقی برقراری عدالت اجتماعی در فقه امامیه را از راه حل‌های حقوقی آن باز شناسیم^۳ و سپس اینکه بیابیم راه حل‌های حقوقی موجود چه نسبتی با حقوق تأمین اجتماعی دارند: آیا با آنچه

^۱ - از مهمترین آنها می‌توان به کتاب اسلام و تأمین اجتماعی از احمد قابل و همچنین کتاب تأمین اجتماعی در اسلام از مالک محمودی و ابراهیم بهادری اشاره کرد.

^۲ - معانی اصطلاحی تأمین اجتماعی در ادامه همین مقدمه ص ۵ به بعد شرح داده شده است.

^۳ - در این راستا احادیث و فرمایش‌های ائمه بزرگوار که حکومت یا خلافت را در اختیار داشته‌اند و نقش‌هایی که برای حکومت اسلامی و بیت‌المال در نظر گرفته‌اند، مورد توجه بیشتری واقع خواهند شد.

موضوع علم تأمین اجتماعی است، دارای وجه مشترک بوده و همخوانی دارد یا خیر؟ در پایان چنانچه به این پرسش پاسخ مثبت داده شود، جستجو و گردآوری به همراه بررسی بازتاب این راهکارها و بنیان ها با قوانین و مقررات فعلی ایران نیز قسمتی دیگر از مسأله اصلی پژوهش مورد نظر می باشد. در نهایت با در نظر داشتن توضیحات فوق، می توان سؤالهای اساسی این تحقیق را در دو مورد خلاصه کرد: نخست اینکه « آیا در تعالیم مذهب شیعه، اندیشه های مربوط به تأمین اجتماعی (بدون اینکه الزاماً با این نام خوانده شود) مورد توجه بوده است یا خیر؟ » در پاسخ احتمالی به این سؤال، فرض را بر این نهاده ایم که در تعالیم مذهب شیعه برای مقابله با خطرات اجتماعی، اندیشه ها و راهکارهایی مطرح شده است؛ اما از آنجا که تنها جنبه ی اخلاقی و خیرخواهانه دارند با آنچه امروزه موضوع علم تأمین اجتماعی است، تفاوت دارد. به یاری خدا صحت و سقم این فرضیه در پایان تحقیق مشخص خواهد شد. و سوال دوم اینکه « وضعیت کنونی قوانین موضوعه در خصوص تأمین اجتماعی در ارتباط با تعالیم فقه امامیه و مکتب تشیع چگونه است؟ » طبق فرضیه ای که در پاسخ به سؤال، در پی اثباتش هستیم قوانین موضوعه ی ایران با اندیشه های تأمین اجتماعی در فقه امامیه همخوانی دارد و همگام است. در خصوص اثبات یا ردّ این فرضیه نیز در جای خود نتیجه گیری خواهیم کرد.

اکنون پس از آشنایی مختصری با ضرورت انتخاب موضوع، اهداف، سوالات و فرضیه های این تحقیق، ضروری است که به منظور مشخص شدن دقیق تر حدود و ثغور میدان مالهه ی این پژوهش توضیحاتی را در خصوص عنوان انتخابی (تأمین اجتماعی در فقه امامیه و بازتاب آن در قوانین موضوعه ی ایران) ارائه دهیم. نخستین مفهوم مطرح شده در عنوان مذکور، اصطلاح « تأمین اجتماعی » است. تأمین اجتماعی به همراه حقوق کار دو بخش اصلی حقوق اجتماعی را تشکیل می دهند. « حقوق اجتماعی دانشی است که به دنبال به حداکثر رساندن آسایش، رفاه اجتماعی^۱ و بهزیستی است و سعی بر آن دارد که تا جای ممکن نابرابری های غیر عادلانه را حذف کند.»^۲ هرچند در تقسیم بندی های سنتی میان حقوقدانان، شاخه حقوق اجتماعی به چشم نمی خورد اما به نظر می رسد علی رغم

^۱ - رفاه اجتماعی (social welfare) « عبارت از مجموعه ی سازمان یافته ای از قوانین، مقررات، برنامه و سیاست هایی است که در قالب مؤسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی و تأمین سعادت انسان ارائه می شود تا زمینه ی رشد و تعالی او را فراهم آورد.» زاهدی اصل، محمد؛ مبانی رفاه اجتماعی، چاپ اول، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۱، ص ۱۶ .

^۲ - موسی زاده، ابراهیم؛ مقاله ی « بررسی مبانی حقوق اجتماعی»، مندرج در فصلنامه ی حقوق مجله ی دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۹، صص ۲۶۱ تا ۲۷۹، ص ۲۶۱. (قابل دسترسی در سایت JIq.ut.ac.ir)، آخرین تاریخ مراجعه به سایت ۱۳۹۲/۶/۳)

اختلاف نظرهای احتمالی بتوان آن را وابسته به حقوق عمومی دانست^۱؛ همچنان که در زمینه ی حقوق کار هم این رویه مورد قبول افراد بیشتری واقع شده است. بنابراین تأمین اجتماعی را باید در محدوده ی حقوق عمومی و به عنوان یکی از اعمال حاکمیتی مطالعه کرد.^۲

مسأله ای که در حقوق اجتماعی از اهمیت بسیار برخوردار است، «خطر اجتماعی» است. «خطر اجتماعی، احتمال بروز حادثه ای در آینده است که تأثیر اقتصادی منفی بر گروه قابل توجهی از افراد جامعه می گذارد.»^۳ سیر اندیشه ی بشر در راه کم کردن آثار خطرات اجتماعی که زیر بنای تأمین اجتماعی محسوب می شود، مراحل گوناگونی از فردی تا جمعی را به خود دیده است.^۴ روشهای جمعی نیز در فرآیند تکامل خود از بیمه های خصوصی به سمت بیمه های اجتماعی و سپس حمایت های اجتماعی در حرکت بوده است.^۵ همین تغییر و تحولات باعث شده است تا اصطلاح «تأمین اجتماعی»^۶ نیز دارای ابهام شود و تعاریف متعددی از آن ارائه گردد. به طور کلی به نظر می رسد با در نظر داشتن همه ی دیدگاههای مطرح شده، بتوان قائل به وجود سه سطح معنایی برای اصطلاح تأمین اجتماعی شد:

نخست، تأمین اجتماعی به معنای اعم که عبارت است از فراهم آوردن زندگی توأم با رفاه و آسایش و بدون دغدغه ی جدی نسبت به آینده. به این صورت که «شخص در هر شغل و مقامی از آینده ی خود و خانواده ی خود نگرانی نداشته باشد و برای تأمین آتیه آنان ناچار به کار بدون وقفه و دست زدن به هر عملی نگردد.»^۷ تأمین اجتماعی در این معنای گسترده هم مسائل حقوقی، هم غیر حقوقی و هم اقتصادی و غیر آن را در بر می گیرد، ولی با این حال «روشن است که در اصطلاح تأمین اجتماعی

۱- السان، مصطفی و همتی، مجتبی؛ مقاله ی «روند شکل گیری حقوق تأمین اجتماعی در اسناد و موازین بین المللی» مندرج در فصلنامه ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ی ۱۹، ص ۲۵۷.

۲- نصیری، مرتضی؛ مبانی حقوقی تأمین اجتماعی در ایران، چاپ اول، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۸۲، ص ۲۱.

۳- مرادزاده، حسن؛ حقوق و تکالیف اشخاص دارای معلولیت در نظام مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۰، ص ۱۷۲.

۴- مجتهدی، محمدرضا؛ حقوق تأمین اجتماعی، چاپ اول، تبریز: آیدین، ۱۳۸۸، ص ۳۵.

۵- عراقی، عزت الله؛ درآمدی بر حقوق تأمین اجتماعی، چاپ اول، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۸۶، ص ۴.

۶- مشهور است که اصطلاح تأمین اجتماعی (social security) برای اولین بار به طور رسمی در قانون ۱۹۳۵ ایالات متحده ی آمریکا به کار رفته است؛ البته بنا بر نظر عده ای اصطلاح تأمین اجتماعی قبل از آن، در روسیه و در فرمان اکتبر ۱۹۱۸ بیان شده و به طور غیر رسمی نیز در جمله ای معروف از بلنوار، دولتمرد و مبارز آمریکای لاتین به کار رفته است.

وی می گوید: «کامل ترین نظام حکومتی آن است که بیشترین میزان تأمین اجتماعی و بیشترین میزان امنیت سیاسی را فراهم کند.» تعریف ارائه شده در قانون تأمین اجتماعی آمریکا نیز عبارت است از: «تأمین اجتماعی حمایتی است از اقشار مختلف جامعه که بر اثر بحرانهای اقتصادی و غیر آن وضعیت آنها دگرگون شده، در برابر خطرهای اجتماعی مانند بیکاری، مرگ سرپرست خانواده، پیری و از کارافتادگی، آن هم از طریق کمکهای اجتماعی و نیز بیمه های اجتماعی.» به نقل از پیترز، دنی؛

تأمین اجتماعی: مقدمه ای بر اصول اساسی، ترجمه ی فراز فیروزی مندی و سمیره احمدی، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۸، ص ۲۹.

۷- طالب، مهدی؛ تأمین اجتماعی، چاپ سوم، مشهد: دانشگاه امام رضا (ع)، ۱۳۷۵، ص ۲۷.

مقولاتی از قبیل امنیت نظامی انتظامی یا امنیت فرهنگی و سیاسی مد نظر نبوده و قرار نیست که مثلاً سازمان تأمین اجتماعی نقش یک دولت کامل را بازی کند. بلکه سخن از فراهم کردن امکانات و فرصتهای مناسب برای نهادهای عمومی دولتی یا غیر دولتی در چارچوب مشخص و پذیرفته شده ی نظام تأمین اجتماعی است.^۱

دوم، تأمین اجتماعی در معنای عام که عبارت است از « مجموعه اقدامات سازمان یافته ای که جامعه برای حمایت از اعضای خود به هنگام تنگناهای اقتصادی و (خطرات) اجتماعی پیش بینی کرده و انجام می دهد.»^۲ به نظر می رسد در حال حاضر این تعریف بیشترین هماهنگی را با برنامه هایی جهانی و اسناد بین المللی ای که تأمین اجتماعی را تعریف نموده اند، داشته باشد. برای نمونه در مقاله نامه ی شماره ی ۱۰۲ سازمان بین المللی کار (ILO) در سال ۱۹۵۲ آمده است که « تأمین اجتماعی به منزله ی حمایتی است که جامعه در قبال پریشانی های اجتماعی و اقتصادی پدید آمده به واسطه ی قطع یا کاهش شدید درآمد بر اثر بیکاری، بیماری، بارداری، از کار افتادگی، سالمندی، فوت و همچنین افزایش هزینه های درمان و نگهداری خانواده به اعضای خود ارائه می دهد.»^۳ تأمین اجتماعی در این معنا تنها تضمین اقتصادی افراد را مورد توجه دارد؛ ولی این تضمین را، هم از طریق حمایتهای اجتماعی و هم از طریق بیمه های اجتماعی صورت می دهد.^۴ جهت روشن شدن هر یک از این مفاهیم مفاهیم مذکور، بیان توضیحاتی چند ضروری است:

أ) بیمه های اجتماعی (social insurance) : نظام بیمه های اجتماعی به سبب پاسخگو نبودن بیمه های خصوصی و بازرگانی به نیازهای جامعه در مقابل خطرات اجتماعی ایجاد شد و از این رو اصول و ویژگی های خاصی بر آن حاکم است. از جمله اینکه مبنای حقوقی این بیمه ها قانون است و لذا مشمولان و مزایای شان را قانون اجباراً تعیین می کند به گونه ای که حتی توافق افراد هم بر آن تأثیری ندارد.^۵ « یکی دیگر از خصوصیات مهم عضویت اجباری در بیمه های اجتماعی، عدم نیاز صندوق یا سازمان بیمه ای به منظور نمودن مبلغی به عنوان اندوخته ی سرمایه ی اولیه (capital reserve) است که این امر طبعاً با در نظر گرفتن شاخص های محاسباتی مربوطه، موجبات تقلیل

^۱ - قابل، احمد؛ اسلام و تأمین اجتماعی، چاپ اول، تهران: مؤسسه ی عالی پژوهش های تأمین اجتماعی، ۱۳۸۳، ص ۵ .

^۲ - استوار سنگری، کورش؛ حقوق تأمین اجتماعی، چاپ سوم، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰، ص ۱۱ .

^۳ - به نقل از پناهی، بهرام؛ مقاله ی « فرآیند نظام عملیاتی تأمین اجتماعی »، مندرج در فصلنامه تأمین اجتماعی، شماره ۱۹ ، ۱۳۷۸، ص ۹۱ .

^۴ - برای مطالعه ی بیشتر در خصوص بیمه های اجتماعی، حمایتهای اجتماعی و تفاوتهای آنها با یکدیگر بنگرید به: ماینونی دینتینانو، بناتریس؛ بیمه ها و حمایتهای اجتماعی، ترجمه ی ایرج علی آبادی، چاپ اول، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۸۰، ص ۴۰ به بعد .

^۵ - عراقی، عزت الله؛ همان، ۱۳۸۶، ص ۲۵ .

نسبی نرخ حق بیمه ی تعیین شده برای کلیه ی افراد تحت پوشش را فراهم می نماید.^۱ نکته ی دیگری که باید در مور بیمه های اجتماعی به آن توجه داشت، این است که « در صورت وقوع یک مخاطره ی اجتماعی، فرد بیمه شده از حق برخورداری از مزایا بدون اعمال آزمون استطاعت مالی بهره مند می شود.»^۲ به عبارت دیگر برخلاف مفرات موجود در سیستم های حمایتی تأمین اجتماعی، در نظام بیمه های اجتماعی به هیچ وجه وضعیت اقتصادی فرد یا توانایی های مالی وی در زمان احراز شرایط دریافت مستمری مورد توجه قرار نمی گیرد.

ب) حمایت‌های اجتماعی (social assistance): از آنجا که نظام بیمه های اجتماعی عمدتاً در جهت پوشش نیروی کار یا افراد شاغل جامعه طراحی شده است، لذا در راستای ایمنی تمامی شهروندان جامعه در مقابل خطرات اجتماعی، لازم دیده شد در مواردی که افسار آسیب پذیر مشمول نظام بیمه ای نیستند یا مواردی که نظام بیمه ای به طور کامل آسیب های آنان را تحت پوشش قرار نمی دهد، حمایت های لازم را در یک سیستم جداگانه ارائه دهند که بر اساس آن هر یک از شهروندان جامعه که به هر دلیل قادر به تأمین حداقل های زندگی خود و خانواده اش نباشد، بتواند در صورت وجود شرایط لازم بدون محدودیت زمانی از حمایت های مندرج در قانون استفاده نماید. البته لازم به ذکر است که سازماندهی بهینه ی نظام حمایت‌های اجتماعی و تشکیل یک چتر حمایتی مطلوب برای افراد جامعه، موجبات بهره وری و کارایی بیشتر سازمان‌های بیمه ی اجتماعی را فراهم می آورد و باعث می شود که تنها آن دسته از افرادی که نمی توانند تحت پوشش حمایت‌های بیمه ای قرار گیرند، مشمول نظام حمایت‌های اجتماعی گردند. « لذا اشاعه ی این تفکر که گستردگی خدمات حمایتی بخش تأمین اجتماعی و حجم تعهدات مالی مساعدتهای مزبور، دلیلی بر عدم کارایی مطلوب یا محدودیتهای فنی سیستم بیمه های اجتماعی محسوب می گردد، به طور کلی منسوخ است.»^۳

راهبردهای نظام حمایت اجتماعی معمولاً به دو صورت « خدمات و مساعدتهای اجتماعی » و « امدادی » انجام می پذیرد. البته در خصوص راهکارهای امدادی باید گفت که بعضی آن را قسیم حمایت‌های اجتماعی و در واقع قسمی از تأمین اجتماعی در کنار راهکارهای بیمه ای و حمایتی در نظر گرفته اند.^۴ با این حال به نظر می رسد بتوان راهکارهای امدادی را هم نوعی حمایت اجتماعی دانست که در

^۱ - پناهی، بهرام؛ اصول و مبانی نظام تأمین اجتماعی، چاپ اول، تهران: مؤسسه ی انتشارات سوره، حوزه ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۵۴.

^۲ - پیترز، دنی، همان، ۱۳۸۸، ص ۳۹.

^۳ - پناهی، بهرام؛ همان، ۱۳۷۶، ص ۲۶۸.

^۴ - قابل، احمد؛ همان، ۱۳۸۳، ص ۷. در قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی نیز راهکارهای تأمینی ارائه شده موافق این دیدگاه به سه دسته ی حمایتی، بیمه ای و امدادی تقسیم شده است.

شرایط ویژه و گذرا ارائه می گردد. همچنان که بعضی گفته اند: « حمایت‌های امدادی به هنگام نیاز فوری ناشی از حوادث طبیعی مانند زلزله و حوادث غیر طبیعی مانند جنگ، آغاز می شود و تارفع نیاز ادامه می یابد و کلیه ی اقشار کشور را بدون در نظر گرفتن هر گونه تبعیض شامل می شود.»^۱ اما در خصوص « خدمات و مساعدت‌های اجتماعی » توضیح بیشتری لازم است: در این بخش کمک‌هایی که نظام حمایت‌های اجتماعی بدون محدودیت زمانی ارائه می دهد، مورد توجه است. «تعهدات مرتبط با مساعدت‌های اجتماعی معمولاً شامل کمک‌های مالی جهت تأمین حداقل نیازهای اساسی افراد می شود.»^۲ این کمک‌ها و مساعدت‌های اجتماعی به دو صورت نقدی (روش پولی) و یا غیر نقدی (روش کالایی) صورت می گیرد: متداول‌ترین روش حمایت‌های مزبور از طریق پرداخت‌های نقدی است که برای فرد تحت حمایت به نوعی جنبه ی جایگزینی درآمد را دارا بوده (مانند یارانه) و چگونگی مصرف آن صرفاً به عهده ی دریافت کننده آن می باشد. به این نوع پرداخت‌ها اصطلاحاً پرداخت‌های انتقالی نقدی (monetary transfer payments) اطلاق می گردد.^۳ نوع دیگر تعهدات حمایتی از طریق مساعدت‌های اجتماعی، شامل پرداخت‌های غیر نقدی و جنسی (real transfer payments) است که به صورت کوپن ارزاق (food stamps) یا تحویل کالاها و سایر ما یحتاج مورد نیاز افراد نظیر دارو، در اختیار آنان قرار می گیرد.^۴ بدیهی است که اقلام سبب حمایتی مزبور می بایستی با توجه به تغییرات کمی و کیفی نحوه ی مصرف کالا و شاخص هزینه های زندگی به طور پویا تغییر نماید تا ارزش واقعی مساعدت‌های مذکور حفظ گردد. به طور کلی امتیاز ویژه ی کمک‌های غیرنقدی، تخصیص آنها در جهت برطرف ساختن نیازهای خاص افراد می باشد ولی در مقابل عیب‌هایی نیز دارند؛ از جمله احتمال عدم نیاز ضروری افراد به آنها یا حیف و میل شدن کالاها در اثر این توهم که کمک‌های مزبور فاقد ارزش اند. نوع میانه ی پرداخت‌های نقدی و کالایی، سیستم استرداد هزینه های تعلق گرفته است که طی آن فرد ابتدا شخصاً نسبت به تهیه و تدارک کالای مورد نیاز اقدام می کند و سپس با ارائه ی فاکتور خرید امکان دریافت هزینه های بوجود آمده را پیدا می کند.^۵ این شیوه نیز معایبی چند دارد که در این مقال مجال پرداختن به آنها نیست. در مقابل، کمک‌های غیر مالی در نظام حمایت‌های اجتماعی نیز «خدمات اجتماعی» (social services) نامیده می

^۱ - اعتضادپور، ناهید و رجبی راد، فهیمه؛ تأمین اجتماعی در ایران، چاپ اول، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۷۴، ص ۳۲.

^۲ - پناهی، بهرام؛ همان، ۱۳۷۶، ص ۲۷۱.

^۳ - منبع پیشین، ص ۴۲.

^۴ - منبع پیشین.

^۵ - منبع پیشین.

شوند. از آنجا که نظام حمایت های اجتماعی برای آن دسته از اقشار آسیب پذیر جامعه که قادر به اداره و تأمین و وضعیت معیشتی خود نیستند، پی ریزی گردیده است؛ لذا حمایت های مزبور منحصر به تأمین مالی آنان نمی ماند و مشاوره ی مددکاری انفرادی هر یک از افراد که غالباً توسط مددکاران اجتماعی^۱ (social worker) آموزش دیده انجام می شود، را هم شامل می شود. هم اکنون اینگونه خدمات اجتماعی را در کشور ما سازمان بهزیستی انجام می دهد. شایان ذکر است « خدمات اجتماعی مددکاران اجتماعی صرفاً در ارتباط با جوامع در حال توسعه یا توسعه نیافته از اهمیت برخوردار نیست، بلکه با توجه به تنوع و گستردگی مشکلات انسانها، در جوامع پیشرفته نیز مورد توجه بوده و بدون تردید در ارتقای تأمین و رفاه اجتماعی سهم قابل توجهی دارد.»^۲

و بالاخره معنای سوم تأمین اجتماعی که در میان عوام رواج بیشتری دارد، « تأمین اجتماعی در معنای خاص » است که تنها بیمه های اجتماعی را در بر می گیرد. به عبارت دیگر در این برداشت تضمین اقتصادی افراد تنها در برابر خطراتی خاص و در قالب بیمه های اجتماعی مورد توجه است. این مفهوم بیشتر در اوایل ایجاد تأمین اجتماعی و دورانی که موضوع آن حوادث کار و روابط کارگر و کارفرما است، مد نظر بوده است. اگرچه امروزه همسو با همگانی شدن تأمین اجتماعی و در کنار گسترش روز افزون حمایت های اجتماعی، بیمه های اجتماعی نیز گستره ای فراتر از حوادث کار را شامل می شوند. لازم به ذکر است در این پژوهش تأمین اجتماعی در معنای عام آن و به ویژه بحث حمایت های اجتماعی آن مد نظر است؛ به گونه ای که راهکارهای حمایتی به تفکیک خدمات و مساعدهای اجتماعی و حمایت های امدادی مورد توجه بوده است. البته در کنار آن از مسأله ی راهکارهای بیمه ای هم غفلت نورزیدیم. بنابراین از این پس در این پژوهش هر گاه اصطلاح تأمین اجتماعی به طور مطلق به کار رود، منظور از آن تأمین اجتماعی در معنای عام خواهد بود.

واژه ی دیگری که در عنوان تحقیق به کار رفته و نیازمند توضیح است، « فقه امامیه » نام دارد. رسم معمول در پژوهش های عرصه ی حقوق چنان است که هر گاه در باب موضوعی از فقه امامیه سخن به میان می آید، غالباً نظرات فقیهان متقدم و متأخر و استدلال های آنان ذکر می شود. حال آن که در تحقیق به اقتضای موضوع پژوهش منظور از فقه امامیه، منبع فقهی امامیه می باشد. به عبارت دیگر شیوه ی کار ما چنین است که سعی کرده ایم به جای ذکر نظریات فقیهان در موضوع کار خود، آنچه را که

^۱ - برای مطالعه ی بیشتر پیرامون مددکاری اجتماعی و تاریخچه ی آن بنگرید به: موسوی چلک، حسن؛ مددکاری اجتماعی(۱): کار با فرد ، چاپ دوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۳ ، ص ۹ به بعد.
^۲ - پناهی، بهرام؛ همان، ۱۳۷۶، ص ۲۷۰ .

می تواند مستند حکم و نظر ایشان قرار گیرد، بیایم. از این رو تمرکز خود را به منابع فقهی و البته از میان آنها کتاب و سنت معطوف نمودیم و جز مواردی اندک به دیدگاه فقها و حقوقدانان اسلامی نپرداخته ایم. زیرا اولاً در زمینه ی موضوع این تحقیق، مطالب بیان شده در کلام فقیهان غالباً تکرار و تبیین آیات و روایات است و شاید نتوان حکمی را در زمینه ی تأمین اجتماعی یافت که مستند آن تنها اجماع باشد؛ ضمن آن که اساساً در دیدگاه شیعه اجماع معتبر باید کاشف از رای معصوم باشد و لذا می توان آن را زیر مجموعه ی سنت دانست. ثانیاً در خصوص عقل نیز باید گفت بر مبنای « ما حکم به العقل حکم به الشرع » قوانینی هم که امروزه در نظام حقوقی ایران تصویب می شوند، از نگاهی فقهی محسوب می شوند. لکن این نتیجه با هدفی که از انجام این پژوهش انتظار داریم، ناسازگار است و جستجو در پی شواهدی برای اثبات یا ردّ سابقه داشتن اندیشه ی تأمین اجتماعی در آموزه های اسلامی اقتضا دارد تنها به آنچه از منقولات مستفاد می شود، اکتفا نماییم.

با توجه به اینکه سایر موارد مطرح شده در عنوان تحقیق، نیازمند توضیح خاصی نیستند و آنچه را هم که در مقدمه ها از آن گریزی نیست، ذکر کرده ایم؛ سخن خود را با این توضیح خاتمه خواهیم داد که مطالب فراهم آمده برای این پژوهش با در نظر گرفتن انسجام و ارتباط لازم در قالب دو فصل ساماندهی شده است که در نخستین آنها به « درونمایه های تأمین اجتماعی در منابع فقهی امامیه » پرداخته و در فصل پسین آن به « تأمین اجتماعی در قوانین موضوعه » معطوف خواهیم شد. امید است این پژوهش و نتایج حاصل از آن هم بتواند در بهبود ساختارهای فعلی نظام تأمین اجتماعی مورد استفاده ی مسئولان مربوط در وزارت کار، تعاون و امور اجتماعی قرار گیرد و هم به سهم خود قسمتی از کاستی موجود در عرصه ی حقوق اجتماعی را در میان جامعه ی دانشگاهیان بر طرف نموده و برای دانشجویانی که در آینده قصد پژوهش در این زمینه را دارند، مفید واقع گردد. البته لا ادعی فیما آلفته من ذلک فضیلة الاحسان و لا السلامة من سلق اللسان؛ فان الفاضل من تعدد سقطاته و تحصى غلطاته^۱.

^۱- ابن الاثیر، ضیاء الدین شیبانی؛ المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر، بی نا، بی تا، ص ۱ مقدمه.

فصل نخست:

درونمایه های تأمین اجتماعی در منابع فقه شیعه

در این قسمت از کلام به این موضوع می پردازیم که آیا مفاهیم و مضامین تأمین اجتماعی در منابع فقه امامیه دارای پیشینه است یا خیر؟ در این خصوص باید گفت آن راهکارهایی که در فقه امامیه برای تأمین عدالت اجتماعی در نظر گرفته شده همگی جنبه ی حقوقی ندارند و همچنان که طبیعت مذاهب و ادیان الهی اقتضا دارد مسائل اخلاقی و فاقد جنبه ی حقوقی نیز بخش عظیمی از این راهکارها را شامل می شوند که البته از موضوع این پژوهش بیرون است. در واقع باید گفت که در این تحقیق قصد داریم از میان راهکارهای گوناگونی که در منابع فقهی شیعه برای تأمین نیاز نیازمندان، رفع محرومیت محرومان و امثال آنها از موضوعات دانش تأمین اجتماعی پیش بینی شده است، تنها اقسامی را بررسی کنیم که دارای ویژگی الزامی بودن هستند. اگرچه ممکن است این قسم از راهکارها به نسبت حجم کمتر از توصیه های غیرالزامی به نظر آیند، اما نباید فراموش کرد که در عالم حقوق قاعده ای که الزام آور باشد مطمح نظر است: آن دسته از راهکارهایی که در دین اسلام به طور الزام آور در راستای تأمین اجتماعی در نظر گرفته شده اند، در حکم بودجه ای تقریباً ثابت و دائم، پشتوانه مالی لازم برای انجام مسئولیت های اجتماعی حکومت اسلامی^۱ را فراهم می کنند و «در حقیقت جاده ای عمومی اند که فرصت اندازه گیری دقیق تری را برای مدیران جامعه فراهم می سازند.»^۲

بدین منظور آنچه از پژوهش های صورت گرفته در راستای پاسخ به این پرسش فراهم آمده در قالب دو مبحث جداگانه در این فصل ارائه می گردد. نکته ای که در مباحث این فصل از پژوهش و زیرمجموعه های آن نیازمند دقت خواهد بود، این است که از منابع اربعه فقه شیعه شامل کتاب، سنت، اجماع و عقل، تنها دو مورد نخست مورد توجه است. زیرا همانطور که در مقدمه هم اشاره شد اولاً در زمینه ی موضوع این تحقیق مطالب بیان شده در کلام فقیهان غالباً تکرار و تبیین آیات و روایات است و شاید نتوان حکمی را در زمینه ی تأمین اجتماعی یافت که مستند آن تنها اجماع باشد. ثانیاً بررسی سابقه داشتن درونمایه های تأمین اجتماعی در فقه به عنوان یکی از اهداف این پژوهش ما را بر آن می دارد که آنچه را از مسائل نوین فقهی و برآمده از منبع مستمر عقل می دانیم از جامعه ی آماری خویش استثنا کنیم و بدین سان است که در هر یک از مباحث این فصل درونمایه های تأمین اجتماعی تنها در قرآن و در روایات بررسی می گردد.

^۱ - شاید به همین علت باشد که اکثر راهکارهای الزامی و حقوقی در خصوص عملکرد حکومت و خطاب به آن یا مربوط به وظایف آن بیان شده است.

^۲ - قابل، احمد؛ اسلام و تأمین اجتماعی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۰.